

### امروز با سعدی شیراز

#### روزگار بدعهد

چنین است گردیدن روزگار  
 سبک سیر و بدعهد و ناپایدار  
 چو دیرینه روزی سرآورد عهد  
 جوان دولتی سر برآرد ز مهد  
 منته پر جهان دل که بیگانه‌های است  
 چومضطرب که هرروز در خانه‌ای است  
 نه لایق بود عیش با دلبری  
 که هر باسنادش بود شوهری  
 نکویی کن امسال چون ده نوار است  
 که سال دگر دیگری دهخداست

### یک خبر یک نگاه

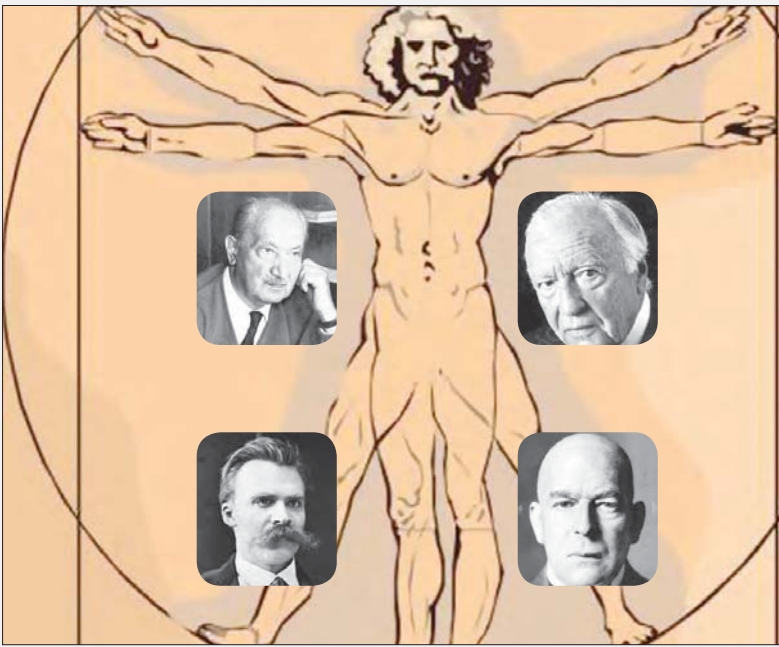
#### زندگی خطر آزا میر در تهران به صادر آمده است

بیماری آزا میر حالا در شمار بیماری‌های قرار گرفته که رشد صعودی خود را در کشور طی میکنند و این امر نگرانی‌های بسیاری ایجاد کرده است. این خبر را فرید براتی رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور به اپرنا اعلام کرده و افزود: سازمان بهزیستی به علت رشد صعودی آزا میر در جامعه سالمندان اقدام به تشکیل کارگروه تخصصی به منظور پیشگیری از آزا میر کرده است که نخستین مرحله در این برنامه شناسایی افراد در معرض خطر و افراد مبتلا به آزا میر است تا بتوانند برنامهریزی‌های خود را متناسب با جامعه هدف تنظیم کنند. براتی سده با بیان اینکه جمعیت کشور در حال سالمند شدن است، گفت: ۶ میلیون سالمند در کشور زندگی می‌کنند که اگر وضع به همین گونه نماند در دو سال ۱۳۲۰ حدود ۲۵ میلیون سالمند خواهیم داشت و این به آن معناست که اگر جمعیت کشور به صد میلیون برسد، از هر چهار نفر یکی سالمند خواهد بود که در برخی استان‌های ایران مانند گیلان و خراسان جنوبی آمار جمعیت بالای ۶۵ سال از مرز ۱۰ درصد عبور کرده است. از سویی قرار است در آینده از طریق شناسایی سالمندان مبتلا به آزا میر و اعلام اسمی آنها به نیروی انتظامی با همکاری انجمن آزا میر و ناجا اجرا شود که در این طرح، انجمن آزا میر مشخصات افراد مبتلا به آزا میر را به نیروی انتظامی اعلام می‌کند تا در صورت مقفود شدن افراد مبتلا به آزا میر، نیروی انتظامی بتواند آنها را شناسایی و به خانواده‌هاشان بازگرداند که این امر از جمله اصلی‌ترین راه‌های مقابله و توانمندسازی این بیماران است.

### شاطر

#### همبستگی معلمان با روز جهانی محیط زیست

بر کسی پوشیده نیست که کنش‌های محیط زیستی و رفتارهای وابسته به گرمایش و نگهداشت زیست‌بوم در کشور بسیار کم‌فروغ و کم‌بردار است و گروه‌های اجتماعی گوناگون کمتر خوش را با آن درگیر ساخته‌اند. شوره‌بخانه درگستر کشور نهادهای دولتی و مرجع‌ها نتوانسته‌اند در برنگ کردن این دشواری جهانی و ملی، کامیابی‌های چشمگیری داشته باشند. برای پدیدآوری یک رفتار اخلاقی و اجتماعی باید اندیشه‌ها و عقاید هم‌ساز پدید آورده شود و این امر نیازمند شناسایی مسأله‌هاست، نمی‌توان بر بهزیستی و مسالمتی رفتارهای محیط زیستی امید بست و آینده‌های روشن برای آن اندیشید. بی‌گمان محیط‌زیست برای بسیاری از شهروندان کنونی و آینده‌سازان نیست. به تازگی گروهی از فرهنگیان در شهرهای گوناگون کشور، کنش‌هایی نمادین برای گرمایش و نگهداشت زیست‌بوم انجام داده‌اند که با توجه به کم‌فروغی و کم‌بردار بودن برخی از پرسنل‌های آینده‌سازان کشور و آغازی باشد برای فراموشی و انزوا بخشی بر این گونه کنش‌ها از این رویداد که در «روز جهانی محیط‌زیست» گروهی از اعضای کانون سفین معلمان ایران به همراه خانواده‌ها، شهروندان خرافان لرستان، مستنجد، گلپایگان، بوکان، همدان، کرمانشاه، زنجان و تهران به میزبانی شایسته انجمن سفین معلمان تبریز در کنش مدنی- محیط‌زیستی در کنار یکدیگر بخشی از منطقه ارومیان در حلقه‌های ایران و کردستان خرافان را با همی کردند. این کار مدنی که در شهر همدان و با برنامه‌ریزی کانون سفین معلمان همدان انجام گردید، پارک بردیسان نیز گروهی ۱۲ نفره قرار فرهنگیان، بخشی از این پارک را با همکاری گروه فرهنگیان به این گونه کنش‌ها را با دیده‌باف یک گرفت و اقدام داشت که این گونه کنش‌ها آغازی باشد برای حساس کردن یک میلیون فرهنگیان و ۱۲ میلیون دانش‌آموز کشور که می‌تواند تا حد سرازرد و گرون‌کننده اندیشه‌ها و رفتارهای شهروندان کنونی و آینده‌سازان باشد.



#### قاسم پورحسن از جهان بعد از نسانس می گوید

# بازگشت به انسان، همین!

#### مدرنیته و دستاوردی به نام جنگ و خونریزی

دربار انسان بدین معنا بود که فهم جدیدی از انسان و زندگی او شکل گرفت. تا ۲۰۰ سال، این مفهوم، واقعیت محسوس از زمانی که دیدگاهی فقط مسالما به نام تکنولوژی نبود می‌توان گفت که تکنولوژی، برجسته‌ترین امر در این باقی تلقی می‌شود. بنابراین، هر مسأله مهم بنیادین به وجود آمد که ما امروزه به غریب از آنها تحت عنوان پرسش‌های بنیادین درباره انسان یاد می‌کنیم. پرسش اول این بود که چه عملی در اندیشه مدرنیته وجود داشته است؟ آیا اساساً مدرنیته، توجه بنیادین به انسان را محلول نداشته بود؟ انسان محور نبود؟ امور دیگری جایگزین شده بود یا این که مدرنیته، با وضعی که پیدا کرده بود، نمی‌توانست به شأن و جایگاه انسان، به خصوص در مناسبات جمعی، دست‌نخورده بگذارد؟ این بود که منجر به حل بحران می‌شود اما منظور قرار دهد. پرسش دوم این بود که آیا این دیدگاه، قابل بازسازی و اصلاح است؟ ما می‌توانیم به وضع دیگری پای بگذاریم که از سوی منتقدان مدرنیسم مطرح شده بود؟ یعنی آیا این وضع، قابل اصلاح است؟ یا اساساً وضعی مواجه هستیم که امکان اصلاح برایش وجود ندارد؟ تلاش‌هایی که از سوی پست‌مدرنیست‌ها (Postmodernist) انجام شده بود، به همین دلیل با بدبینی همراه بود و آن، این بود که ما نمی‌توانیم محیط دیدگاه‌های بنیادین مدرنیته، به وضعی مداخل شوییم که بتوانیم بحران را حل کنیم. اساساً، سبب مسأله جدی و غیرمنتظره وضع جدید شکل گرفت و وضع جدید، خود یک معضل و یک

طرح نو افرین وسطی یا middle age تاریخ اروپای غربی یکی از مهم‌ترین مراحل تاریخی است. از این دوره که از ۴۰۰ تا ۱۴۰۰ میلادی به طول انجامید به «دوره تاریک» یا Dark Age یاد می‌شود که از ویژگی‌های آن تاریک‌اندیشی و پایان‌انجامی بود. بی‌توجهی به انسان بود. با آغاز رنسانس و انسان و زندگی او مطرح گردید. انتظار به سوی انسان و زندگی او متمرکز گردید. انتظار می‌رفت که جهان، اعتدالی و بی‌باغانه و انسان، به زبان حقیقی و شایسته خود تامل شود. اما در عمل، دستان مغفلت‌ناز شد. بدترین جنگ‌ها، کشتارها و خونریزی‌ها، نامتبر، انسان شد. یکی از سوغاف‌های مدرنیته برای تسل بشر، تکنولوژی سلاح‌ها و ادوات جنگی بود که به خونریزی‌ها، جنبه مدرن بخشید، حتی با «قاسم پورحسن» و دانشیار گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی پس از این موضوع به بحث تنظیم نظرات او در ادامه آمده است. تصور این بود که با نسانس و پست‌سنانس گذشتن قرون وسطی و سلطه اصحاب کلیسا، «انسان» و شأن و جایگاه شایسته خودش را بیابد، اما این گونه نشد... به نظر می‌رسد پس از جولانی که از رنسانس (Renaissance) اتفاق افتاده بود و محور این تحول، مسأله «انسان» بود، بحران (Human crisis) تکرار نشود. انسان مورد توجه و کانون این تحول بود. مهم‌ترین مسأله درباره انسان، آزادی انسان و برخورداری او از ویژگی‌های منحصر به فردی بود که از نسانس به بعد مشکل گرفته بود. تغییر نگرش دیدگاه‌ها و نگاه‌ها، منجر به این شده که باید همه روکردها دچار یک قطع‌شود، این گسست معرفی‌اش اساساً



### نگاه

#### خرمندی عملی و آینده

این شخص، چه می‌توان کرد؟ می‌توان از نوعی خرمندی عملی دفاع کرد. خردی که هم به آرمان وهم به شرایط اجتماعی - وهم البته به خلیج چیزها - اجتماعی - زندگی - توجه دارد، اما در این زمینه، دفاع از خرمندی عملی، می‌تواند دفاع از ستم، نداشتن‌شود و به‌ویژه هنگامی که فضا خلیجی تن می‌شود. دیگر کسی نمی‌تواند از آن آرمانگرایی‌ها - تند و تیز - حتی انتقاد کند. اما دفاع از خرمندی عملی، دفاع از ستم دانسته می‌شود؟ یعنی چه؟ یعنی این که آرمانگرایی را در یکایک می‌شود قفس و از هر سخن و رفتارش باید دفاع کرد. در همه شرایط، همه، چشم بسته، باید، تنها و تنها، قدرت را مستحکم کرد. اگر این کار را نکنی، باید همه چیزش هم بیاستند و همه هزینه‌هایش هم به‌جان بخسرد. خب! در برابر این اندیشه و

کسب است. اما زندگی پیچیده‌تر از این حرف‌هاست و سازهای سازنده آینده و نوع ترکیب آنها، پیش از آن است که بنیاد نهاده شود. آن که مدعی است «قانون» آینده را یافته، در واقع، می‌خواهد آن قانون را به حال و آینده، بار کند و در این میان، تنها آن اندک‌اندک درنگار «حقیقت» کشف‌شده خویش است که چندان جای‌برای‌اش نمی‌گذارد. کسب، خرمندی عملی، و بازنه‌اندک‌گفتگو، صلح، آرامش و انسانیت، بازنگارند. آن‌که در آینده آرامش و رعایت انسانیت، چیزی بیشتر از بیاد با جنگ و کشت و کشتار، بستگی به رفتار و اندیشه ما دارد. خرمندی عملی، زمینه‌ای برای فریاد است که احتمال چیزی آرامش و رعایت انسانیت بر آینده، در آن بیشتر است تا آرمانگرایی را در یکایک.

#### مهدی پهلوی

آزمایشگاه



ساله بر می‌گشت و بر می‌گردد بنوعی اندیشه اندیشه‌های می‌گوید، یا باید از همه حقوق انسانی و حقوق بنیادین بشر، برخوردار باشیم یا هیچ‌کدام را نمی‌خواهیم. گمان نمی‌کنم حتی بتوان آن را «پارادوکس» دانست. دست‌هایش این است که بگوید ما نوعی آرمانگرایی بسیار تند و تیز و رادیکال رویه رو هستیم. موضوع البته زمانی خلیج جدی می‌شود که فرد حاضر همه زندگی خودش را با همین اندیشه هماهنگ می‌سازد و پیش‌برود و باید همه چیزش هم بیاستند و همه هزینه‌هایش هم به‌جان بخسرد. خب! در برابر این اندیشه و